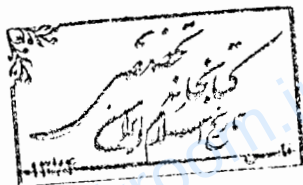


درآمدی بر
ادبیات داستانی
پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

فریدون اکبری شیلدره‌ای

بهار ۱۳۸۲

این اثر یکی از موضوعات
«طرح تدوین تاریخ انقلاب
اسلامی» است که در مرکز اسناد
انقلاب اسلامی تهیه شده و کلیه
حقوق آن برای مرکز محفوظ
می‌باشد.



فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۳	 پیش‌گفتار

بخش اول:

۲۱	 رویکرد تحلیلی بر ادبیات داستانی تا سال ۱۳۰۰ شمسی
۲۳	 مقدمه
۲۴	 پادشاهی نظم بر رعیت نثر
۳۲	 پشاهندگان ساده‌نویسی
۳۴	 ساده‌نویسی نیاز مردم
۳۷	 دگرگونی افق دید
۴۰	 شکفتن گل رمان
۴۳	 نخستین رمان‌ها
۴۶	 رمان‌های تاریخی
۵۳	 رمان‌های اجتماعی
۶۵	 دهخدا، پیشرو در به کارگیری زبان عامیانه

بخش دوم:

۷۱	 سیر منطقی و تاریخی ادبیات داستانی
۷۳	 مقدمه
۷۵	 فصل اول: دوره‌های تاریخی ادبیات داستانی معاصر
۷۶	 دوره‌ی نخست (۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰)
۷۷	 دوره‌ی دوم (۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰)
۷۹	 دوره‌ی سوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰)
۷۱	 دوره‌ی چهارم (۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰)
۸۳	 دوره‌ی پنجم (۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰)
۸۵	 دوره‌ی ششم (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷)
	 فصل دوم: نگاهی به چهره‌های جریان‌ساز ادبیات داستانی از
۸۷	 ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷
۸۸	 جمال‌زاده، آغازگر داستان کوتاه

صادق هدایت، انعکاس بیهودگی و ناامیدی	۹۲
بزرگ علوی، پایه‌گذار ادبیات زندان	۹۴
صادق چوبک، تصویرگر پلشتی‌ها	۹۶
نویسندگان نسل پس از ۴۰	۹۸

بخش سوم:

انقلاب اسلامی، تولدی دیگر	۱۰۷
مقدمه	۱۰۹
فصل اول: انقلاب اسلامی، تولدی دیگر	۱۱۱
ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات	۱۱۵
ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی	۱۲۱
فصل دوم: چندوچونی در هویت ادبیات داستانی پیش و پس از	

انقلاب اسلامی	۱۲۹
۱- هویت غیردینی	۱۲۹
۲- هویت روشن‌فکرانه	۱۳۲
۳- هویت باستان‌گرایانه‌ای و تاریخی	۱۳۳
۴- هویت بازاری نویسی و کام‌جویانه	۱۳۴
۵- هویت بوم‌شناسانه و روستایی	۱۳۵
فصل سوم: ماهیت ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی	۱۳۷
۱- هویت دینی - مذهبی	۱۳۹
۲- هویت بومی و معاصر	۱۳۹
۳- هویت عرفان‌گرایانه و پارسایانه	۱۴۰
۴- هویت تاریخی - خاطره‌ای	۱۴۲
۵- هویت ملی - فرهنگی	۱۴۲
۶- هویت اقلیمی	۱۴۳
۷- هویت باختگی (بی‌هویتی)	۱۴۳

فصل چهارم: بررسی دیدگاه‌های مختلف در خصوص ادبیات داستان

پس از انقلاب اسلامی	۱۴۵
۱- بی‌تعهدی و بی‌دردی اکثر نویسندگان	۱۴۶
۲- فقر زبان و رسانه‌ای بودن آن	۱۴۷

۱۴۸	۳- فقر تخیل در داستان‌ها
۱۴۹	۴- ضعف در ساخت و پرداخت شخصیت‌های متنوع
۱۴۹	۵- نداشتن تنوع موضوعی
۱۵۲	رهبر فرزانه‌ی انقلاب
	فصل پنجم: دست‌آوردهای ادبیات داستانی پس از
۱۵۵	انقلاب اسلامی
۱۵۶	۱- تحول مبتنی بر کشف تجربه
۱۵۷	۲- نوآوری و کشف در داستان‌نویسی پس از انقلاب
	۳- رشد آگاهی نویسندگان نسبت به اصول فنی کار،
۱۵۸	پیوستگی فرم و محتوا
۱۶۰	۴- رشد رمان و داستان کوتاه
۱۶۰	۵- رشد و گسترش ادبیات مذهبی
۱۶۲	۶- تعالی و تنوع مضمون و محتوا
۱۶۴	۷- پرهیزگاری قلم و متانت
۱۶۵	بررسی و جمع‌بندی
	ویژگی‌های ادبیات داستانی پس از پیروزی
۱۶۶	انقلاب اسلامی

بخش چهارم:

نگاهی به وضع ادبیات داستانی دهه نخست پس از انقلاب

۱۶۹	(۱۳۶۷-۵۷)
۱۷۱	مقدمه
	نگاهی به وضع ادبیات داستانی دهه‌ی نخست پس از انقلاب
۱۷۳	(۱۳۶۷-۱۳۵۷)
	ادبیات داستانی جنگ در دهه‌ی نخست پس از انقلاب (۱۳۵۷)
۱۸۰	تا (۱۳۶۷)
۱۸۵	آن سوی مه
۱۸۵	سیری در ادبیات داستانی کودک و نوجوان
۱۹۴	زن در پهنه‌ی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی

بخش پنجم:

نگاهی به ادبیات داستانی دهه‌ی دوم انقلاب اسلامی

۲۰۷ (۱۳۶۷-۱۳۷۷)

۲۰۹ مقدمه

نگاهی به ادبیات داستانی دهه‌ی دوم انقلاب اسلامی

۲۱۱ (۱۳۶۷-۱۳۷۷)

۲۱۴ ادبیات داستانی جنگ در دهه‌ی دوم پس از پیروزی انقلاب

۲۲۱ شکوه وجود

زن در عرصه‌ی ادبیات داستانی دهه‌ی دوم انقلاب

۲۲۴ (۱۳۶۷-۱۳۷۷)

۲۲۹ چشم‌انداز کلی سیر ادبیات داستانی

۲۳۵ کتاب‌نامه

۲۴۱ فهرست اعلام

مقدمه

ادبیات آینه‌ای تمام‌نما در برابر حوادث و رخدادهای جاری در تاریخ ملت‌هاست. در میان تقسیمات متنوع حوزه‌ی ادبیات، مکتوبات منشورات و خصوصاً ادبیات روایی و داستانی از جایگاه والایی برخوردارند، زیرا داستان و ادبیات داستانی در شکل مطلوب خود، انعکاس جامعه و ملت در طول تاریخ خواهد بود و بدون نیاز به پیچیدگی‌های علمی، مخاطب را از واقعیات جوامع، مطلع خواهد ساخت. ادبیات داستانی به منزله‌ی یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم کلی فرهنگ، در عین تأثیرگذاری بر جوامع، از تحولات تأثیر می‌پذیرد و دگرگون می‌گردد.

انقلاب اسلامی، به منزله‌ی ماندگارترین تحول فراگیر جامعه‌ی ایران در دنیای معاصر، در کنار سایر تأثیرات خود، تحولات عمیقی بر ادبیات داستانی این مرز و بوم بر جای نهاد و مسیر رشد فعال نوپای ادبیات داستانی ایران را تغییر داد؛ بر همین اساس پژوهش در تاریخ انقلاب اسلامی بدون مطالعه‌ی ادبیات پس از انقلاب امکان‌پذیر نیست و فهم چرایی و چگونگی انقلاب، قطعاً در بند آگاهی از ادبیات انقلاب اسلامی است. در اثر حاضر با عنوان «درآمدی بر ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی»، کوشش شده است تا ضمن بررسی تاریخی سیر ادبیات داستانی در ایران، درباره‌ی تأثیر انقلاب بر ادبیات داستانی و بازگویی فرایند تحول در ادبیات پس از انقلاب تحقیق شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی به عنوان نگارنده‌ی تاریخ انقلاب، بر خود

فرض می‌داند تا با انتشار آثاری از این دست، ضمن گسترش فرهنگ نگارش در کشور، به وظیفه‌ی محوری خود که انتقال فرهنگ انقلاب به نسل‌های آینده است، جامه‌ی عمل بپوشاند.

در پایان از زحمات مؤلف محترم، مدیر و کارشناس محترم دفتر هنر و ادبیات جناب آقای محمدصادق کوشکی و سرکار خانم مرضیه علیشاهی، معاون محترم پژوهشی جناب آقای غلامرضا خواجه‌سروی و همکاران پرتلاش معاونت انتشارات قدردانی می‌کنیم.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیش‌گفتار

ادبیات داستانی ایران در گستره‌ی دراز دامن تاریخی، نشیب و فرازهای فراوانی را به خود دیده و در برابر تمام رویدادها و ناگواری‌ها و ناملایمات تاریخی، سیاسی و اجتماعی، هم‌چنان آن بنیاد باشکوه و استوار خود را حفظ کرده است، هر چند که در همه‌ی گذرگاه‌ها و گریوه‌های تاریخی به یک سان نبوده است.

اکنون باید ببینیم مراد ما از «ادبیات داستانی» در این پژوهش چیست؟ داستان‌های بلند فراوانی در پهنه‌ی ادبیات ما هست که از دید تاریخی و آموزه‌های حِکمی و معرفتی، ارزشمند است. این بخش، خود از پربرترین و پرشکوه‌ترین بخش‌های ادبیات فارسی به شمار می‌آید؛ اما رمان و داستان کوتاه (Short Story) در ادبیات ما، نوع ادبی کاملاً بدون پیشینه‌ای است. پس از مشروطه، نویسندگان کوشیدند تا مسایل اجتماعی را مطرح کنند و رسالت اجتماعی و وجدانی خویش را انجام دهند. از این رو تحت تأثیر ادبیات داستانی غرب، از اسلوب قصه‌نویسی گذشته فاصله گرفتند و ضمن آشنایی با اصول فنی داستان‌نویسی غرب و نمونه‌های آن، رمان گونه‌هایی همراه انتقاد تند و مستقیم و گاه آمیخته به هجو، از اوضاع اجتماعی ایران پدید آوردند.

پس از آن، وجود «دهخدا» و «چرند و پرند» او، بستر مناسبی را فراهم کرد تا از میان آن، «جمال‌زاده» با «یکی بود، یکی نبود» به منزله‌ی

آغازگر داستان کوتاه به سبک و شیوه‌ای نو، سر برآورد.

به طور کلی، سده‌ی اخیر شمسی برای ادبیات معاصر ما، دورانی تعیین‌کننده به شمار می‌آید، زیرا از یک سو حضور «نیما»، پایه‌گذار شعر نیمایی و از سویی دیگر «جمال زاده»، آغاز کننده‌ی داستان کوتاه، جلوه‌گری می‌کند؛ ضمن آن که نخستین نمونه‌های رمان اجتماعی و فرهنگی نیز در این ایام پدید می‌آید.

پس از این، جریان رمان و داستان کوتاه فارسی، متأثر از اوضاع سیاسی - اجتماعی و فضای حاکم بر جامعه، دست‌خوش نگرش‌ها و روش‌های گوناگونی می‌شود. اگر رمان‌های نخستین، از عصر مشروطه بر بستر رئالیسم با مایه‌های انتقادی و تاریخی حرکت می‌کرد، رمان‌ها و داستان‌های کوتاه عصر رضاشاه و پس از آن، در فضایی مه‌گرفته و «گرگ و میش»، جریان دارند؛ به ویژه «رمان» در هاله‌ای از تاریخ کهن پیچیده می‌شود و داستان کوتاه، حال و هوایی سوررئالیستی و حتی سمبولیستی به خود می‌گیرد و به سبب فشار استبداد و سانسور حکومت، پوشیده‌گویی و نمادگرایی تقویت می‌گردد.

پس از شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی، با دگرگونی در ساختار سیاسی و تغییر فضای حکومتی، نویسندگان بر بستر نوعی رئالیسم حرکت می‌کنند که گاهی به رئالیسم انتقادی می‌گراید و در برخی آثار به سبب نفوذ اندیشه‌های سوسیالیستی، رگه‌های سبک رئالیسم سوسیالیستی نیز به چشم می‌آید.

این بسط و توسعه‌ی فضای ادبیات داستانی تا پیش از سال ۱۳۵۷ شمسی، تحت تأثیر قبض و بسط‌های حال و هوای سیاسی و شرایط اجتماعی قرار دارد که بر پایه‌ی آن، افت و خیزهایی را در روند ادبیات داستانی سال‌های پیش از انقلاب اسلامی شاهد هستیم.

در پی وقوع انقلاب اسلامی، دوره‌ای متفاوت در ادبیات این عصر آغاز شده که ضمن داشتن پیوند با گذشته، از کیفیتی تازه و بدیع برخوردار است. داستان نویسان جوان، خوش فکر و با استعداد در حوزه‌ی داستان کوتاه، داستان‌های کودک و نوجوان و دفاع مقدس، به تجربه‌ها و آفرینش‌های تازه‌ای دست یافته و نهال ادبیات داستانی دوره‌ی جدید را روز به روز بالنده‌تر و شکوفاتر می‌سازند.

ما در این نوشته بر آن‌ایم با توجه به همه‌ی فراز و فرودها، رویکردهای تاریخی و حفظ زنجیره‌های گذشته و بررسی آن‌ها و به دست دادن چند و چون ضعف و قوت آن‌ها، ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی را بررسی کنیم؛ اگر چه نقد و بررسی تحولات فرهنگی و چگونگی پیدایی و بالندگی آن در گروی گذشت زمان و پروردگی آن است.

ناگفته نماند که در این اثر، ما کوشیده‌ایم تنها مدخلی ایجاد کنیم تا زمینه‌های شناخت ادبیات داستانی را برای خواننده‌ی گرامی، به ویژه جوانان و دانشجویان، فراهم سازیم. به همین سبب سیر منطقی و تاریخی را از مشروطه تاکنون پی‌گرفتیم و به طور کلی ادبیات را در سه دوره‌ی تاریخی زیر بررسی کردیم:

- دوره‌ی نخست: از مشروطه تا سال ۱۳۰۰ شمسی

- دوره‌ی دوم: از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ شمسی

- دوره‌ی سوم: از سال ۱۳۵۷ شمسی - آغاز انقلاب اسلامی - تا سال

۱۳۷۷ شمسی. این ۲۰ سال را به دو دهه بخش کرده، جداگانه به معرفی و بررسی آن‌ها پرداختیم.

معتقدیم که هر آفرینش هنری و ادبی، چکیده و فشرده‌ی رسوبات عوامل سیاسی، اجتماعی، تاریخی، باور شناختی و فرهنگی است؛ از این رو، در بحث از تحولات ادبیات داستانی، به پس زمینه‌های اصلی آن نیز

بی توجه نبوده‌ایم. بر همین اساس، بنیاد پژوهش حاضر را که «درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی» است، از دوره‌ی مشروطه پی افکنده و تلاش کرده‌ایم جریان ادبیات داستانی را در پیوند با شرایط اجتماعی توصیف کنیم، زیرا ویژگی برجسته‌ی ادبیات معاصر و به طور کلی شعر و داستان، گره خوردگی آن با مسایل سیاسی و اجتماعی است.

بر پایه‌ی آن‌چه تاکنون نوشتیم، خواست ما از ادبیات داستانی در این پژوهش، آثار منثوری است که ساخت و بافتی داستانی و تخیلی دارند. بنابراین رمان، داستان بلند و داستان‌های کوتاه در حلقه‌ی جستار ما جای می‌گیرند.

اصلی‌ترین پرسش که بنیاد تحقیق ما بر آن استوار است و در تأیید آن کوشیده‌ایم، این است که «آیا خیزش مردمی و ظهور انقلاب اسلامی، رستاخیزی فکری و محتوایی در زمینه‌ی ادبیات داستانی پدید آورده است که بتوان با توجه به دگرگونی باورها و ارزش‌ها، آن را ویژه‌ی عصر انقلاب دانست؟»

برای پاسخ به این پرسش محوری، سعی کردیم به پرسش‌های فرعی زیر نیز پاسخی مناسب و درخور بدهیم و چشم‌انداز شایسته‌ی هریک را به روشنی تصویر نماییم:

۱- جایگاه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی و منزلت‌یابی زنان داستان‌نویس

۲- تفاوت نگرش‌ها و باورداشت‌های قبل و بعد از انقلاب نویسندگان عرصه‌ی ادبیات داستانی

۳- هویت پیش از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب ادبیات داستانی

۴- کارکرد و تأثیر ادبیات داستانی در حضور و بیداری مردم

۵- انقلاب اسلامی و ادبیات کودک و نوجوان

۶- نقش ادبیات داستانی در دوران دفاع مقدس و ماندگارتر ساختن مقاومت‌ها و رشادت‌ها و حماسه‌های دوران پیروزی انقلاب و هشت سال دفاع مقدس و...

پاسخ به این پرسش‌ها و نمونه‌های آن زمینه‌ساز فرضیه‌ی اصلی این پژوهش است، زیرا فرضیه‌ی اصلی ما این است که «انقلاب اسلامی رستاخیزی فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اعتقادی بود که بنیاد ادبیات داستانی را در نگرش‌ها و ارزش‌ها دگرگون ساخت و حیات‌ی تازه بخشید.»

برای اثبات این فرضیه و استوار داشتن آن، ناگزیر باید فرضیه‌های ناساز و رقیب آن را نیز بررسی می‌کردیم تا همه‌ی زوایا و گم‌گوشه‌های عرصه‌ی تحقیق را برای خواننده روشن سازیم. به همین سبب رویکردهای مخالف را در فرضیه‌های رقیب زیر پاسخ گفته‌ایم:

الف - فرضیه‌ی رقیب اول: ادبیات داستانی پس از انقلاب، پویا و ماندگار نیست.

ب - فرضیه‌ی رقیب دوم: انقلاب اسلامی نگرشی ژرف و ایدئولوژی روشنی به زمینه‌ی ادبیات داستانی و نویسندگان آن نبخشیده است.

پ - فرضیه‌ی رقیب سوم: انقلاب اسلامی، سبب ضعف و سستی ادبیات داستانی و افق دید نویسندگان آن گردید.

درباره‌ی سوابق پژوهشی این موضوع، باید بیفزاییم که در قلمرو ادبیات داستانی در گستره‌ی تاریخی، کارهایی ارزشمند و بررسی‌هایی سودمند انجام گرفته است و حتی آثار در خور توجه به‌صورت نقد و بررسی و تکی‌نگاری پدید آمده است که ما در این جستار از آن‌ها سود برده‌ایم، اما نکته در این جاست که درباره‌ی ادبیات داستانی عصر انقلاب

اسلامی، تاکنون کاری ارزنده و پژوهش ارزشمند دانشگاهی، به طور اختصاصی انجام نشده و در این زمینه تنها می‌توان در حد و اندازه‌ی مقالات و پژوهش‌های پراکنده، که از سوی حوزه‌ی هنری و به ویژه بخش ادبیات داستانی آن انجام می‌گیرد، اشاره نمود.

هدف ما از انجام این پژوهش، رفع یا کاستن از آن کاستی‌هایی است که بدان اشاره شد و هم‌چنین رفع نبود «کاری کارستان» در این زمینه که سبب می‌گردد هر محقق‌ی که بدین وادی می‌آید، خود را در فضایی ناآشنا و بیگانه ببیند. بنابراین قصد ما نخست، غنی‌سازی و افزودن برگستره‌ی دانش افراد علاقه‌مند به این پهنه و حفظ و حراست از «مُرده ریگ فرهنگی» و باور داشت‌های ملی و آموزه‌های دینی و اخلاقی یک عصر است.

دوم: ارج نهادن به شور، شعور، تخیل و احساس سرشار نویسندگان عرصه‌ی ادبیات داستانی یک نسل و هم‌چنین گذشته‌ی تاریخی ملتی بزرگ و سربلند که با سلاح قلم با جهل و غفلت جهاد کرده‌اند. از آن‌جا که ادبیات، آیینه‌ی تمام‌نمای خواش‌ها، آرمان‌ها و بازتاب دنیای درونی یک فرهنگ، قوم و تبار است، این پژوهش نیز در پی آن است تا از دل دفتر بستر ادبیات داستانی دوران پس از انقلاب، تأثیر خرد آشوب معارف دینی و تعالیم متعالی اسلام و انقلاب را باز نماید و آن‌گاه بر تحول و دگرگونی‌هایی که در ساختار، محتوا و درون مایه‌ی فکر، فرهنگ و قلم نویسندگان پدید آمده، تأکید نماید تا ارج و ارزش نویسندگان متعهد و باورمند انقلاب در پهنه‌ی ادبیات داستانی به روشنی نموده شود.

درباره‌ی اهمیت موضوع این تحقیق، همین بس که برگ‌برگ ادبیات داستانی پس از انقلاب بوی دلاوری‌ها و رشادت‌های حماسه‌ی جوانان

ما را به مشام می‌رساند و رگه‌هایی از خون پاک شهیدان و رزم‌بی‌امان و مخلصانه‌ی آن شاهدان تاریخ انقلاب و دوران دفاع مقدس را بر پیشانی دارد و از آبشخور حیات بخش و انسان‌ساز قرآن کریم و آموزه‌های دینی نیرو می‌گیرد. بنابراین پاس‌داشت و یادکرد آن همه مردانگی، که تبلور قیام و ایستادگی حق‌مداران خداجو در برابر اهریمنان بیدادجو می‌باشد، کاری است هم‌سنگ خون شهیدان راست قامت و جاودانه‌ی تاریخ انقلاب عظیم ما که در حقیقت می‌تواند سند هویت انقلاب اسلامی باشد.

اکنون باید یادآور شویم که شیوه‌ی کار ما در این اثر، کل‌نگرانه است و هرگز خود را درگیر نمونه‌ها و موارد جزئی نساخته‌ایم؛ یعنی نگاهی همه‌سویه و فراگیر به روند کلی ادبیات داستانی افکنده‌ایم و آنچه از کاستی‌ها و پرمایگی‌ها به چشم آمده، نشان داده‌ایم.

بی‌گمان کاستی‌های این کار بسیار است، اما امید داریم به خواننده‌های باریک اندیش و نکته‌سنج، تا اسرار نگاه عالمانه‌ی خویش را در قالب نقدهای سازنده و راه‌گشا، چراغ راه ما قرار دهند.

فریدون اکبری شلدره‌ای